

زنان، حافظان امنیت اخلاقی خانواده

مادر حواسش

به همه چیز دست

مجید فراہانی

نمی‌دانم ایسن مطلب را کجا شنیده یا خوانده‌ام، اما برای شروع این نوشته به نظر من مقدمه خوبی است. مادری زمانی که فرزندانش برای دیدن وی به خانه‌اش می‌آمدند ظرفی را روی جاکفشی قرار داده بود که فرزندان را مجبور می‌کرد با گوشی

مادران، افسران خانه

بحق مادران را باید افسران خانه نامید؛ افسرانی که هر جا لازم باشد با درایت و تدبیر خود چالش‌هایی که حریم خانه را تهدید می‌کند شناسایی کرده و برای مقابله با آن، وارد میدان می‌شوند و سعی می‌کنند شش‌دانگ حواسشان به اعضای خانواده باشد

و برای آنها حریم امنی فراهم کنند.

یادم نمی‌رود روزهای اولی که تلفن همراه وارد کشور شده بود، مدرم چقدر نسبت به خرید آن ممانعت می‌کرد و برای من خط و نشان می‌کشید و چار چوب تعیین می‌کرد که فلان ساعت نباید از موبایل استفاده کنی. الا این ابین شرایط که این همه شبکه‌های اجتماعی مثل قارچ رشد کرده و هر روز یک اپلیکیشن و بازی متولد می‌شود قوانین مادرانه هم افزایش پیدا کرده و من خوشحالم که مادر حواسش به همه چیز هست. از این دست مادرها که حواسشان به همه چیز هست کم نداریم. مادرائی که مادرانه حواسشان به همه چیز هست و سعی می‌کنند گرمی و صمیمیت اعضای خانواده را با شبکه‌های اجتماعی پر نکنند البته هستند مادرائی که بی‌توجه به کودکان خود، آنقدر در فضا و شبکه‌های مجازی وقتشان را می‌گذرانند که از زندگی واقعی و کودکان خود به کلی دور می‌شوند.

از آنجایی که در نظام ارزشی اسلام خانواده از اهمیت و قداست خاصی برخوردار است جایگاه زنان در مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی اهمیت ویژه‌ای به خود می‌گیرد. زن در سطح خانواده دارای نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است که تربیت صحیح فرزند و پاسداری از کانون گرم خانواده از مهم‌ترین این نقش‌هاست و در چنین شرایط نوین اجتماعی این وظیفه

مریم ترابی

در یکی از خیابان‌های شهر در حال رانندگی بودم. به دور بز گردان که رسیدیم، قصد دور زدن کردم. دوتا از ماشین‌های جلویی خیلی نزدیک بود به هم و قصد دور زدن داشتند که از راننده یکی از ماشین‌ها زنگی کرد و جلوتر دور زد. راننده آن یکی ماشین سرش را از پنجره ماشین خود بیرون آورد و شروع کرد به ناسزگویی حین دور زدن. من با تعجب فقط نگاه می‌کردم. الفلاطی ریکب با گویش لاتنی و به قولی کوچهبازاری، شیشه‌های ماشین را سریع بالا کشیدم تا صدایی نشنوم ولی فایده‌ای نداشت. راننده آن ماشین خانی بود که تقریباً تا کمر از پنجره، خودش را بیرون کشیده بود و حین رانندگی به آقایی که با زنگی از او جلو زده بود، ناسزا می‌گفت. جالب‌ترین این بود که آقای راننده اولین ناسزا را که شنید جوابی داد ولی وقتی دید این خاتم ادامه می‌دهد کم آورد، برای روی بدال گاز ماشین گذاشت و با سرعت حرکت کرد. فقط با تعجب این منظره ه زشت را نگاه می‌کردم و تأسف می‌خوردم. روزهای اولی که در محل کارم مشغول به کار خونی بودم، یکی از همکارهای خانم آشنا شدم و باب دوستی بین ما باز شد. یکبار به شوخی جمله بسیار رکیکی را به‌کار برد که هنگ کرده بودم و جیسارمانم از تعجب گرد شده بود. شنیدم این جمله از خانمی با این پوشش بسیار بعید بود و اصلاً انتظارش را نداشتم. همکارهای دیگرم با خنده به چهره و بسیار متعجب من نگاه کردند و گفتند: «تازه وارد هستی. بعد از به مدت عادت می‌کنی!» بعد از گذشت مدتی به گفته همکارهای دیگر باید عادت می‌کردم ولی عادت نکردم و هر بار سعی می‌کردم نشنوم و بروایم عادی نشود زیرا عادی شدن جملات و الفاظ رکیک نتیجه اخلاقی خوبی ندارد. ■ ■ ■

همیشه گذشته تا به امروز طرز بیان و گویش زنان به نوعی همراه با ادب و متانت بوده‌است. به‌کار بردن الفاظ رکیک مخصوص زن‌هایی از قشر خاص و مشخصی از جامعه بوده و هیچ‌یک از بانوان از این گویش استفاده نمی‌کردند زیرا حتماً به آنها برچسب‌هایی زده می‌شد که اصلاً خوشایند نبود. ولی در سال‌های اخیر به کرات در محافل زنانه، در کوچه و خیابان و محل کار خاتم‌هایی را می‌بینیم که از الفاظ زشت و رکیک با لحنی زشت‌تر

تلفن همراه وارد خانه نشسوند و گوشی خود را

همان ابتدای خانه قرار دهند، بعد وارد خانه شوند.

کمی هم زنده، اما وقتی قرار است فرزندان در هیاهوی زندگی در حالت خوشبینانه هفته‌ای یکبار به پدر و مادر شان سر بزند و اگر آن چند

پرزنگ‌تر و بااهمیت‌تر می‌شود.

اعضای خانواده اگر بیش از حد به استفاده از دست‌گاه‌های الکترونیکی، به خصوص موبایل بپردازند مسلماً باعث خواهد شد صمیمیت و محبت میان آنها کاهش یابد و در نهایت این عامل باعث تهدید بنیان خانواده می‌شود.

اکثر مادران تا زمانی که ندانند فرزندان به کجای می‌روند، یا نمانند با چه کسی رفت و آمد می‌کنند، یا برنامه‌اش در خارج از منزل چیست و نیز چه موقع به منزل برمی‌گردد اجازه نمی‌دهند از منزل خارج شود. حال آیا منطقی است نظرات آنها در فضای آنلاین کمتر از دنیای واقعی نباشد و فرزندان را کنترل و مراقبت نکنند؟

مدیریت مادران و فضای امن

هر روز شاهد گسترش سیطره تکنولوژی بر فضای جامعه و به‌خصوص خانواده‌ها هستیم. اگر دقت کنیم چنان اسیر تکنولوژی شده‌ایم که در حال قدم زدن هم سرمان را از گوشی بر نمی‌داریم. استفاده از فناوری ذاتاً موضوع بدی نیست، اگر بتوانیم خودمان را مدیریت کنیم. اما فرزند ی که قدرت مدیریت کردن خود را ندارد باید از جانب فرد دیگری مدیریت شود و چه کسی بهتر از مادر که نقش مهمی در تربیت و رشد و تعالی فرزندان دارد، نباید فراموش کنیم که خانواده به عنوان بنیادی‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و فلسفی که کار کردهای تأثیر گذاری در سطح جامعه دارد، در شکل‌گیری و تکمیل هویت افراد و جامعه نقش بسزایی دارد و در طول تاریخ، ارزش و جایگاه بالایی در تربیت و رشد افراد جامعه داشته‌است.

خانواده در گذشته مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی و هویت‌ساز بوده، در حالی‌که اکنون با ورود فناوری‌های

ساعت هم مشغول گوشی‌های خود باشند، آنگاه

کار این مادر کاملاً منطقی و صددرصد درست به

این اتفاق ثابت می‌کند که زنان به عنوان یکی از ارکان و پایه‌های خانواده نقش مهمی در مدیریت اعضای خانواده در برابر تکنولوژی‌های نوین

د

هر روز شاهد گسترش سیطره تکنولوژی بر فضای جامعه و به‌خصوص خانواده‌ها هستیم. اگر دقت کنیم چنان اسیر تکنولوژی شده‌ایم که در حال قدم زدن هم سرمان را از گوشی بر نمی‌داریم. استفاده از فناوری ذاتاً موضوع بدی نیست، اگر بتوانیم خودمان را مدیریت کنیم. اما فرزند ی که قدرت مدیریت کردن خود را ندارد باید از جانب فرد دیگری مدیریت شود و چه کسی بهتر از مادر که نقش مهمی در تربیت و رشد و تعالی فرزندان دارد

هر روز شاهد گسترش سیطره تکنولوژی بر فضای جامعه و به‌خصوص خانواده‌ها هستیم. اگر دقت کنیم چنان اسیر تکنولوژی شده‌ایم که در حال قدم زدن هم سرمان را از گوشی بر نمی‌داریم. استفاده از فناوری ذاتاً موضوع بدی نیست، اگر بتوانیم خودمان را مدیریت کنیم. اما فرزند ی که قدرت مدیریت کردن خود را ندارد باید از جانب فرد دیگری مدیریت شود و چه کسی بهتر از مادر که نقش مهمی در تربیت و رشد و تعالی فرزندان دارد

رسانه‌ای، رقبایی پدید آمده‌اند که کار کردهای سنتی خانواده را با چالش روبرو کرده‌اند. در چنین وضعیتی مسلماً نقش و جایگاه زن به عنوان مادر و حتی همسر بسیار بااهمیت و تأثیرگذار است. زن با هر نقشی که در حریم خانواده به عهده دارد می‌تواند فضای خانواده را ایمن سازد و افراد خانواده را از هر تهدیدی که به‌واسطه تکنولوژی ارتباطی ایجاد می‌شود، حفظ کند

اگر به گذشته نگاه کنیم خواهیم دید که پیش از ورود فناوری‌های مدرن مخصوصاً تلفن همراه، اوقات فراغت



ارتباطی بر عهده دارند. البته این را نباید فراموش کرد که بعضی زنان در خصوص استفاده از وسایل ارتباطی، خود نیازمند مد بریت و کنترل هستند. اما روی حرف ما در این مطلب با زنان و مادرائی است که در خط مقدم مبارزه و مدیریت اعضای خانواده در برابر شبکه‌های اجتماعی هستند.

در خانواده، بیشتر به صورت کمک به دیگران، درددل و گفت‌وگوهای بین اعضای خانواده، سیر و سیاحت در طبیعت و دیدار اقوام و آشنایان و در یک کلام، در کنار یکدیگر گذشت. امروزه رسانه‌ها، اوقات فراغت خانواده‌ها را به گونه‌ای پر کرده‌اند که فرصت حضور آنها در جمع صمیمی خانواده از بین رفته‌است.

زمانی‌که جای پدر وامر، برادر و خواهر راشبکه‌های اجتماعی بر می‌کنند رنگ خطری است برای نابودی بنیان خانواده و اینجاست یکی از زنان می‌توانند وارد صحنه شوند و با برنامه‌ریزی و مدیریت درست، عنان خانواده را در دست بگیرند و از فروپاشی و نابودی ارزش‌ها جلوگیری کنند.

اگرچه بزرگی ندبای امروز در حال پیشرفت و ارتقااست، اما این پیشرفت می‌تواند به همان میزان خطرناک و نابودکننده هم باشد. پیشرفت تکنولوژی و صنعت و استفاده از آن تنها دارای جنبه مثبت نیست و در صورت استفاده نادرست، جنبه‌های منفی نیز دارد که نابودکننده و خطرناک است. اینک روش‌های منحرف زن فرزندان و آن هم به‌صورت مخفی فراوان بوده

و آناتکه در صدد نابود کردن و ترویج فساد در جوامع هستند در کمین نشسته‌اند تا صدیهای بیشتری را روزانه در توره‌ای عنکبوتی خود به دام بینندارن. از این رو نقش زنان به عنوان مادر با اهمیت و تأثیرگذار است. مادرائی که به نوعی مسئول حفظ امنیت و آسایش خانواده هستند و به مدیران داخلی شهره شده‌اند، لذا می‌توان با آموزش‌های فراگیر و افزایش دانایی و آگاهی این قشر تأثیرگذار نه تنها محیط خانواده را از اثرات مخرب فناوری در امان نگاه داشت بلکه می‌توان نویدبخش یک جامعه سالم و دانا محور بود.

کردن حس خوشایند نزدیکی و صمیمیت بیشتر فی‌مابین وجود دارد که آنقدر بین خانم‌ها باب شده است! اما هیچ کدام از این دلایل و هزاران دلیل دیگر نمی‌تواند دلیلی برای رکیک و بی‌پروا صحبت کردن خانم‌ها باشد. این دلایل تنها می‌تواند بانه‌هایی برای پنهان کردن ضعف‌های شخصیتی باشد. ضعف‌هایی که برای سرپوش گذاشتن روی آنها اینگونه صحبت کردن را انتخاب می‌کنند. استفاده از واژه‌های شیخ و ادا کردن آن با گویش و لحن خاص به یک عادت زشت تبدیل شده است و گویا در جامعه هم در حال تبدیل شدن به یک امر عادی است.

بدون شک ریختن قیج زشتی‌ها عواقب بدی دارد. هنگامی که قیج عمل گناه و رفتار زشتی ریخته می‌شود انجام آن گناه و رفتار زشت عادی شده و دیگر ناهنجار و گناه تلقی نمی‌شود. وقتی در خانواده‌ای پدر خانواده بددهن است و مادر خانواده نیز برای اینکه از پدر خانواده عقب نماند بددهنی می‌کند، دیگر رکیک صحبت کردن و بددهنی برای فرزندان خانواده زشت و قبیح محسوب نمی‌شود. نتیجه این رفتارها همین می‌شود که وقتی پای صحبت دخترتان نوجوان امروزی می‌نشینیم با لحن عجیب و غریبی صحبت می‌کنند که فقط باید سری از سر تأسف تکان داد. البته آنان نیز ظاهراً آنگاهی ندارند. قرار است کجا طرز بیان و شیوه صحیح صحبت کردن را یاد بگیرند؟! والدین خود که برخی از آنان مثل نقل و نبات از این الفاظ استفاده می‌کنند یا از جامعه‌ای که اینگونه صحبت کردن را زشت و سیخفی نمی‌داند و حتی نشانه بزرگ بودن افراد می‌داند؟

البته ناگفته نماند اکثریت زنان جامعه ما در مقابل این گونه رفتار کردن و سخن گفتن می‌ایستند. ما زنان در تاریخ ثابت کرده‌ایم که شانه‌هایمان زیر سنگینی بار مشکلات خم نمی‌شود. ما ثابت کرده‌ایم با حفظ تمام زنانگی‌هایمان، زنانه‌ا پس همه موانع زندگی بر آمده‌ایم. بیایید زنانگی‌هایمان و لحن و زبانی بیامان را به سیر میدان جنگ زندگی نکنیم. ما زنان، تربیت‌کننده مادران و پدران آینده جامعه هستیم. شاید استفاده از الفاظ رکیک در مواقعی مشکل ما را حل کرده باشد ولی آیا به تأثیر آن بر فرزندانمان هم توجه کرده‌ایم؟ همه ما دوست داریم فرزندانمان مؤدب داشته باشیم. آموزش و تربیت فرزندان ما منوط به رفتار ماست. آنها ما را به عنوان الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند و بزرگ می‌کنند. پس باید مردانه صحبت کردن و مردانه رفتار صحبت کردن الگوی خوبی برای فرزندانمان باشیم.

نگاه

زنان می‌توانند وزن سنت و تجدد را متعادل کنند

پیشرفت بیشتر در دست‌های نیمه دیگر

هلیا شیرجعفری

در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم و زندگی‌مان سراسیمه‌وار به سمت مدرنیته پیش می‌رود و این عرصه پیشش روی مطمئناً نمی‌تواند خود به خود صورت بگیرد مگر اینکه جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، آن را به سوی تجدد ببرد و جامعه نیز قاعدتاً نمی‌تواند خود به خود متجدد شود مگر به‌وسیله کسانی که آن را اداره می‌کنند. یعنی انسان‌ها، بالطبع هنگامی که شخصی تصمیم به برداشتن قدمی به جلو می‌گیرد، دیگران نیز دوست دارند با او همراه شوند و به سمت مدرنیته پیش روند، آنها با اعمال، رفتار و افکار خود جامعه و به طور ناخودآگاه زندگی را نیز قدم به قدم با خود به جلو می‌برند. مدرن کردن جامعه سبب مدرنیته زندگی کردن تمام افراد جامعه می‌شود و پیشرفت جامعه را به دنبال دارد. در این میان، چه زنان و چه مردان نقش بسزایی دارند و این مسئولیت به هیچ وجه تنها و تنها بر دوش یکی از آنها نیست. بدون شک چه بخواهیم چه نخواهیم ناگزیر به پذیرش شاخصه‌های زندگی مدرن هستیم اما این به معنای حل شدن در تمامی جلوه‌های مدرنیته نیست که اگر چنین باشد چیزی از فرهنگ و هویت اصلیمان نمی‌ماند، پس مدرنیزه شدن ما شرط دارد و زنان ما به عنوان حافظان هویت و اصالت خانواده می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در این زمینه داشته باشند.

حضور اجتماعی زنان در گذر تاریخ

این طرز تفکر که زنان می‌توانند در جامعه نقش مهمی داشته باشند، از زمان انقلاب صنعتی کم کم برزگ شد، زمانی که کارخانه‌های بسیاری دایر و تعداد کثیری از زنان مشغول به کار در این کارخانه‌ها شدند. حال، دیگر تنها کسی که در یک خانواده کار بیرون از خانه داشت، پدر یا پسر خانواده نبود، بلکه هم‌زمان با آنها ممکن بود مادر خانواده نیز شافل باشد. هرچند این رویداد آسیب‌های خاصی خودش را نیز داشت. با فاصله بسیار کوتاه از انقلاب صنعتی، در فرانسه می‌بینیم که زنان نقش بسیار مهمی را در انقلاب کبیر آن کشور ایفا کردند که این موضوع در تمام کتب و منابع تاریخی ذکر شده است. با این وجود هنوز حاکمیت نگاه‌های سنتی در آن زمان وجود داشت؛ نگاه‌هایی که مانع دادن حق رأی، حق تحصیلات عالی، مالکیت اموال خود پس از ازدواج و خیلی حقوق دیگر به آنان می‌شد، اما هیچ یک از اینها مانع روند حضور فعال زنان در جامعه نشد. گرفتن حق رأی و مشارکت در امور سیاسی یکی دیگر از فعالیت‌هایی بود که زنان خواستار آن بودند و دائماً از آن منع می‌شدند به این دلیل که آنها را ضعیف، احساساتی و حتی ناعقل می‌دانستند. در مردان می‌توانستند، به ناز اینکه در سال ۱۸۴۸ جنبش حق رأی زنان، به یک جنبش اجتماعی گسترده تبدیل شد و در سال ۱۸۹۳ نیزولند، نخستین کشوری شد که حق رأی زنان را به رسمیت شناخت. اگر کمی

زن و پیوند درست سنت و مدرنیسم

مرز میان نگاه جامعه سنتی و نگاه جامعه مدرن به زن چیست؟ در نگاه سنتی که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و به نوع زندگی در هزاران سال پیش برمی‌گردد، شاید آن هستیم که مرد به شکار و تهیه غذا رفتند، در حالی که زن در پناهگاه مانده و از مواد موجود غذا درست می‌کند، نگهداری از بچه‌ها را بر عهده دارد و پوست حیوانات پوشش تهیه می‌کند. البته پیدایش کشاورزی و به‌وجود آوردن آن و اولین



دانه‌ای را که از قصد به منظور کشت، توسط یک زن انجام شد، نمی‌توان فراموش کرد.

در نگاه جامعه مدرن و امروزی، نه تنها زن قادر به انجام تمام امور مربوط به خانه است، بلکه مانند همسر، پدر یا برادر خود نیز قادر به انجام کارهای خارج از خانه است، وظایف او دیگر محدود به پخت و پز، نگهداری از کودکان و امور کلی خانه نیست؛ او در کنار نقش همسری و مادری، می‌تواند یک پزشک، مهندس، دانشمند، هنرمند، استاد یا معلم یا حتی سیاستمدار باشد. به طور قطع می‌توان گفت که داشتن شغل برای زنان، خارج از خانه، مسئولیت‌های‌روى دوش انسان را چندین برابر می‌کند، زیرا به غیر از نقش مادری و همسری نقش دیگری را نیز در جامعه ایفا می‌کنند. نگاه اسلام به این موضوع نگاهی متعادل است به این معنا که حضور اجتماعی زن نباید نقش مادری و همسری او را تحت‌الشعاع قرار دهد. با این نگاه زن مسلمان ایرانی وظیفه‌ای سنگین در آشتی دادن سنت و مدرنیسم با کمترین آسیب را دارد.

کلام آخر

حق داشتن تحصیلات عالی، فعالیت‌های اجتماعی و مشارفی که مردانه محسوب نمی‌شوند، در کنار احراز وظایف مادری و همسری، برای هر کشور و هر جامعه‌ای می‌تواند مفید و منشا اثرات مثبت باشد، زیرا همانطور که قبلاً هم گفته شد، جامعه از مردان و زنان تشکیل شده و این دودر کنار یکدیگر می‌توانند باعث ترقی کشور شوند. در طول تاریخ شاهد بزرگ‌ترین اتفاقاتی بوده‌ایم که به‌طور حتم مدیریتی، سیاسی و همینطور حق تحصیلات عالی برای آنان در تمام کشورها گسترش پیدا می‌کند و میان عامه مردم نیز پذیرفته می‌شود که در این میان یکی از معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نام‌ها ماری کوری (۱۸۶۷–۱۹۳۴) است که کارهای او در جامعه علمی و کمک‌های بزرگ او در جنگ جهانی اول زیاندار است. با نگاهی به تاریخ اسلام نگاه می‌بینیم که پس از پیامبری رسول‌اکرم (ص) نگاه به زن و جایگاه او کاملاً متحول می‌شود و این قشر ارج و قرب ویژه‌ای پیدا می‌کند.

د

در طول تاریخ شاهد بزرگ ترین اتفاق‌هایی بوده‌ایم که زنان در آن نقشی فراموش ناشدنی ایفا کرده‌اند و از نمونه‌های آن می‌توان به مهم‌ترین انقلاب‌های دنیا از جمله انقلاب اسلامی خودمان اشاره کرد. به وجود آمدن زندگی بهتر برای ما شدند، کتاب‌ها و نویسندگانی که چشم‌ها را به حقیقت گشودند و هنر مندانی که دنیایی دیگر را به ما نشان دادند. در یک کلام پیشرفت بیشتر جامعه در دست‌های نیمه دیگر جامعه است

بیشتر در زمان سفر کنیم به جنگ جهانی اول می‌رسیم که زنان در بیمارستان‌های خط مقدم و پناهگاه‌ها نقش‌های بسیار مهمی را ایفا کردند و در پایان جنگ یعنی سال ۱۹۱۸ حق رأی زنان در انگلستان نیز به رسمیت شناخته شد. هر چه در تاریخ پیش می‌رویم، به رسمیت شناخته شدن حق رأی زنان، کار بیرون از خانه، داشتن جایگاه‌های برابر با مردان و زنان تشکیل شده و این دودر کنار یکدیگر می‌توانند باعث ترقی کشور شوند. در طول تاریخ شاهد بزرگ‌ترین اتفاقاتی بوده‌ایم که به‌طور حتم مدیریتی، سیاسی و همینطور حق تحصیلات عالی برای آنان در تمام کشورها گسترش پیدا می‌کند و میان عامه مردم نیز پذیرفته می‌شود که در این میان یکی از معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نام‌ها ماری کوری (۱۸۶۷–۱۹۳۴) است که کارهای او در جامعه علمی و کمک‌های بزرگ او در جنگ جهانی اول زیاندار است. با نگاهی به تاریخ اسلام نگاه می‌بینیم که پس از پیامبری رسول‌اکرم (ص) نگاه به زن و جایگاه او کاملاً متحول می‌شود و این قشر ارج و قرب ویژه‌ای پیدا می‌کند.